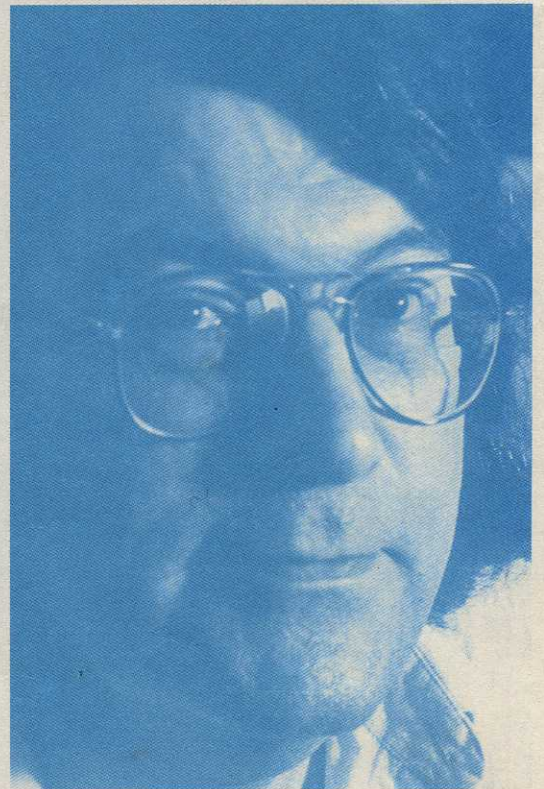
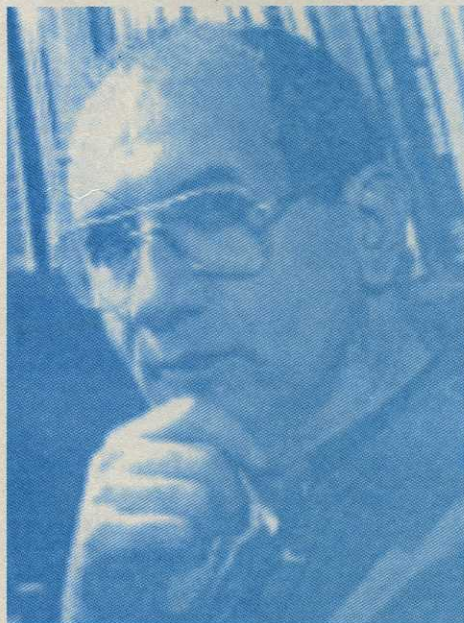
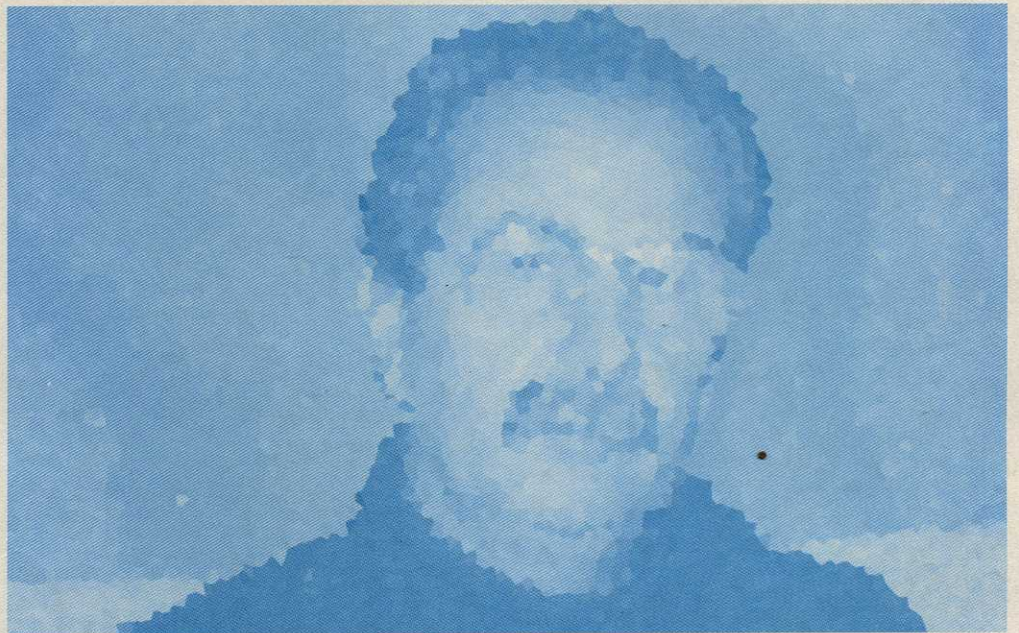


## با آثاری از:

سیروس آتابای  
 عسگر آهنین  
 احمد ابراهیمی  
 مهدی استعدادی شاد  
 محمد امان  
 نرگس بهار  
 محمد رضا تاجدینی  
 هادی خرسندی  
 پرویز خضرائی  
 اسماعیل خوئی  
 حمید رضا رحیمی  
 نسرین رنجبر ایرانی  
 روزبهان  
 یدالله رؤیائی  
 عباس سماکار  
 محمدرضا شفیعی کدکنی  
 فتح‌الله شکیبائی  
 محمد علی شکیبائی  
 فرحناز عارف  
 محمد عارف  
 بتول عزیزپور  
 عدنان غریفی  
 سیاوش کسرائی  
 لادن لطفی  
 سهراب مازندرانی  
 جواد مجابی  
 محمد مختاری  
 رضا مقصدی  
 زری مینوئی  
 کیومرث نویدی  
 شاداب وجدی  
 ابراهیم هرندی  
 سعید یوسف  
 و ...



○ درباره سیاوش کسرائی

○ اسماعیل خوئی: تعریف شعر

○ یدالله رؤیائی: غایت اشیاء: نوعی دیدن

○ محمد مختاری: ابداع و گسترش یا تولید و مصرف در شعر معاصر



## مجموعه شعر

■ اسدیان، جواد: *سبز آرام گل‌دان*. سوئد، نشر رؤیا، ۱۹۹۶، ۵۹ ص.

از سری دفترهای شعر دو زبان‌های است (فارسی - سوئدی) که نشریه *رؤیا* در شهر لوند سوئد منتشر می‌کند. ترجمه شعرها به سوئدی، همچنان که کل این طرح، مدیون سهراب مازندرانی است. اسدیان، که چهل سال پیش در مشهد به دنیا آمده است، اشعاری به زبان آلمانی نیز دارد، و گاه نیز با نقاشی عمر عزیز را ضایع می‌کند. او اکنون در برلین زندگی می‌کند و از چهره‌های فرهنگی فعال این شهر است. در این دفتر ۲۶ شعر منشور کوتاه (بی نام)، هر شعر بر صفحه‌ای و ترجمه سوئدی در صفحه مقابلش، چاپ شده است. یک نمونه: «کولی / با تنبوری بر دست / به کوچ می‌رود. / خلخالها / در جاده خسته می‌شوند / و ترانه / در سوز سرما / یخ می‌بندد.» (آدرس نشر رؤیا در بخش نشریات آمده است.)

■ اسلامی، آرش: *یک اسم برای زندگی*. گوتنبرگ (سوئد)، نشر آموزش، ۱۹۹۵، ۱۱۹ ص.

■ رابطه آبی. نشر آموزش، ۱۹۹۵، ۱۰۰ ص.  
آرش اسلامی شاعری است پرکار، و پس از مجموعه سبید صفحه‌های *نورا* که در ۱۹۹۴ منتشر کرده بود، اکنون همزمان دو مجموعه جدید چاپ می‌کند. شعرها فاقد وزن‌اند و گاه سرگردان میان شاملو و رؤیایی، گاه حرفی ساده‌اند که چندان از پرداخت شعری بهره‌مند نشده است، گاه نیز پاره‌های زیبایی در میان آنها می‌توان یافت (مانند: «می‌آیی / به رنگ انار / باغ انار / و شهر در گردش سرخ تو / می‌چرخد...»، «از شعر «کلیپاره انار»، مجموعه *یک اسم برای زندگی*). طرح‌های روی جلد این سه مجموعه نشان می‌دهند که اسلامی نقاشی نیز می‌کند و ظاهراً در بیان احساس شاعرانه‌اش ابزار قلم‌مو را استادانه‌تر از قلم در دست می‌گیرد. برخی از شعرها (همچون «خون لحظه‌ها ۳» از مجموعه *رابطه آبی*: «با تو / ماندم / تا سپیده / را / نشانت دهم») نه کشفی دارند و نه ساختمان و بیان ویژه‌ای که حدی از توفیق شاعرانه را نشان دهند.

■ اصفهانی، ژاله: *سرود جنگلی*. لندن، ۱۳۷۳، ۲۹۱ ص، ۸ پوند.

این کتاب، همچنان که عنوان دومش می‌گوید، مجموعه‌ای است از «سروده‌های امروز و دیروز» ژاله اصفهانی (سلطانی) که اکنون در لندن زندگی می‌کند، و اگرچه مقارن انقلاب فرصت یافت که پس از سالهای طولانی مهاجرت از شوروی به ایران بازگردد، نتوانست حکومت دین‌پیشگان را تحمل کند و به مهاجرتی دیگر روی آورد. کتاب دربرگیرنده ۱۵۲ شعر است از سالهای گوناگون و در قالبهای گوناگون: در کنار اشعار آزاد (غالباً موزون)، می‌توان نه تنها غزل و گونه‌های دیگر شعر کلاسیک بلکه سرود و حتی نمایش منظوم و شعر نمایشی برای اپرا نیز در این کتاب یافت. در پایان نیز متن یک گفتار در ۱۰ صفحه چاپ شده است زیر عنوان: «شعر چیست و از شعر چه می‌خواهیم؟» با آرزوی سلامتی و پایداری برایش، شعر «هزار ساله درختم» را نقل می‌کنیم که در سال ۱۳۶۷ در بیمارستانی در لندن سروده است: «درخت آمده از پشت در به دیدن من / که بشنود خبر جان به لب رسیدن من / ولی درخت نداند که من چه جان سختم / هزارساله درختم: / که هرچه باد خزان کند پریشتم / ز نو شکوفه دهم / باز هم جوانه کنم / و هر جوانه تو را پر از ترانه کنم.»

■ امیری، فاروق: *سالنامه بیست و یک (مجموعه شعر)* ۱۳۷۲-۱۳۵۲. سوئد، نشر رؤیا، ۱۳۷۳، ۳۲ ص.

در این مجموعه فاروق امیری به انتخاب ۲۱ شعر از ۲۱ سال شاعری خود دست زده است. در صفحات ۳ تا ۷، پیشگفتار

اسماعیل نوری‌علا بر این مجموعه چاپ شده که بیش از آنکه در پیوند مستقیم با این مجموعه باشد، توضیح نقش نوری‌علا در نهضت «موج نو» در شعر سالهای ۴۰ است و درک این جریان از شعر. این شعرها در قالبهای آزاد و غالباً بی‌بهره از اوزان عروضی‌اند. شعری سنجیده با بیانی غیر مستقیم و تصویری. شعر «نوبت» از سروده‌های سال ۱۳۵۷ است: «برده متحد / از شقه شدن / باکش نیست. / پس / به شلاق خشم / قیصران را از اسب / به زمین می‌باشد. / □ / بعد از آن / نوبت اسب است: / سوار / هر که خواهد باشد.»

■ بابازاده، افشین: *صبحانه در موقعیتی بهتر*. لندن، نشر مداد، ۱۳۷۴، ۹۰ ص، ۴ پوند انگلستان.

دربرگیرنده ۵۱ شعر برخوردار از نگاهی شاعرانه و نوجو، اما غالباً محروم از پرداخت کافی. بابازاده پیش از این نیز (۱۹۹۰) مجموعه شعر *خواهر سنگها* را چاپ کرده بود با مقدمه‌ای از اسماعیل نوری‌علا که در آن کشف بابازاده را «حادثه‌ای هیجان‌انگیز» خوانده بود. نقطه قوت کار بابازاده، روحیه امروزی شعرهاست و پریدن از عوالم رمانتیک شعر ایران و نیز از شعر بی‌تشخص موج غالب کنونی که بیرون شاملو هستند؛ ولی باید روی زبان شعرش و پرداخت نهایی آن بیش از این کار کند. شعر «طرح» (۱۹۹۲): «آرام / آرام / ماجراها / بهمنی از گذشته‌ها به روی شانهاش می‌آوردند. / آرام / آرام / پوزخند خوابی سنگین لبانش را می‌دوزد. / آرام / آرام / قصه جنازه او بر شانها به سوی گور می‌رود.»

■ برلیان، سیاگزار: *خراشیدن خارا*. [مکان؟]، انتشارات حیدر، ۱۳۷۳، ۹۹ ص.

پنجمین دفتر شعر برلیان است و گزینه‌ای است دربرگیرنده ۲۳ شعر از شعرهای دهه ۶۰ شاعر. شعرها همه بی‌بهره از وزن‌اند و متأثر از شیوه شاملو. برلیان ساکن انگلستان و طبیعی است که خود چند سالی بود به ناز طبیبان نیازمند شده بود و اکنون در کار جبران مافات است و در تلاش بازسازی و گسترش توانهایش. شعر «اثیر خواب» چنین آغاز می‌شود: «خواب تو را ربوده است و من / از پشت پلکهایت / خوابهای انیری بس نایافته را می‌بینم / □ / از پشت پلکهایت می‌بینم که / پرده‌های زخمی تشوش / ماه و زمین را گم کرده‌اند / و خود را هم...»

■ سرکانی، سینا: *جای پای آدم بر فی*. کانادا، نشر پیوند، ۱۳۷۴، ۹۷ ص.

دربرگیرنده ۵۰ شعر که شاعر جوان آنها را در تهران و متراک کانادا سروده است و بجز چندتایی غزل و دوبیتی و رباعی، بقیه در قالبهای آزادند و غالباً به صورت شعر منثور. شاعر در قالبهای سنتی مبتدی است و در استفاده از اوزان نیامی نیز توفیقی ندارد. اما هنوز زمان بسیار دارد و باید در انتظار کارهای بهتری از او بود. شعر «این هم همان»: «رفتم کنار باغچه دیدم که گل همان / رفتم به کوه و دشت، / دیدم که صحرا همان / در کوچه‌های بی‌کسی؛ / آوازه‌ها همان / دریا، درخت، باد، باران، زمین همان / کوکو همان / پس کو نگار، کو؛ / این قصه هم همان...»

■ عارف، محمد: *دو روی یک سکه*. [آلمان؟]، انتشارات نیما، ۱۳۷۴، ۱۳۵ ص، ۹ مارک.

این کتاب دو بخش دارد. عنوان بخش اول «صلیب جنوبی» است، که ظاهراً عنوان دفتر شعری است که سرانیده در سال ۱۳۶۸ منتشر کرده است؛ عنوان بخش دوم «فرسنگهای فاصله» است. از ۵۴ شعر این مجموعه، ۲۵ شعر نخستین بار در همان دفتر سال ۶۸ چاپ شده‌اند. محمد عارف سیستانی است و در اشتوتگارت تحصیل می‌کند. عنوان نخستین شعر کتاب (بهار ۵۸) «ما را بس» است: «شور می‌وزد / عشق می‌یارد / خورشید می‌سوزد و / شعر می‌رود. / دیگر زنده بودن / چه می‌خواهد؟»

■ عسگری (مانی)، میرزاآقا: *زیر درخت و اژه (اشعار کوتاه)*. آلمان، انتشارات هومان، ۱۳۷۲، ۱۱۹ ص، ۶ مارک. ■ *ستاره در شن (گزینۀ اشعار ۱۳۷۳-۱۳۶۹)*. تهران، صدا، ۱۳۷۴، ۱۴۲ ص، ۳۲۰ تومان.

زیر درخت و اژه دربرگیرنده ۱۰۰ شعر کوتاه از مانی است و ۱۳ طرح از هانیبال الخاص که زینت‌بخش این کتاب است. مانی در این کتاب نشان می‌دهد که در سرایش شعرهای کوتاه موفقتر است و کوتاهی شعرها کمتر جایبی برای پراکنده‌گویی یا تکرارهای غیر ضروری باقی می‌گذارد. «میوه ازلی» نمونه‌ای از شعرهای این کتاب است: «بوی سیب می‌دهد / دهان توفان / که سبب‌بن را بلعد. / اما چرا دهان مرگ / که مرا می‌بلعد / از عطر عشق خالی ست؟ / از عطر تو، میوه ازلی / که روزگار منی!»

■ ستاره در شن پس از *ترانه‌های جاده ابریشم* (تهران، مروارید، ۱۳۷۳) دومین کتاب شعری است که مانی در سالهای مهاجرت در ایران چاپ می‌کند؛ این مجموعه دربرگیرنده ۶۵ شعر است. «دل پیر» از شعرهای این مجموعه است: «زاری نکن دلکم / پیر می‌شوی ها! / مگر نمی‌بینی زمین / این دل کوچک که کشتان / - / چروک زاری مردگان است؟ / ازین مریدک خود بشنو / که بی‌هوده‌اش کران تا به کران / به جست‌وجوی خردک حقیقتی / و اندک شرد عشقی سرگردانیدی: / که زاری برای از کف داده‌ها / و به کف نیامده‌ها / بوکت می‌کند / بعد چروکت می‌کند ها!»

■ فارسی، بیژن: *آستان فریباشی (گزیده اشعار ۷۳-۱۳۷۰)*. استکهلم، [فاقد ناشر]، ۱۹۹۵، ۱۲۴ و ۵۵ ص.

در این گزیده ۶۰ شعر از بیژن فارسی می‌خوانیم با ترجمه آزاد ۲۷ شعرش به زبان سوئدی. فارسی در آغاز این گزیده دو رباعی آورده است که خیبط بزرگی بوده است، چراکه نخستین رباعی‌اش چنین است (با حفظ املای اصل): «دیگر نه شبی به ما می‌گذرد نه روز / نه حادثه‌ای بر آرد از سینه مان سوز / نه خنده مستی به لب فراداییمان / نه گنده غم در بغل از حسرت دیروز؛» و دومی‌اش هم از همین مقوله است. اما در سایر اشعار، که همگی - خوشبختانه - فاقد وزن‌اند، می‌بینیم که تفاوت چندان از خیل عظیم سرایندگان شعر منشور ندارد و اگر از غلطهای املایی (مثلاً «مرحم» به جای «مرهم»، ص ۵۹) و کاربرد نادرست زبان فارسی (برعکس نهند نام زنگی کافوز؟) بگذریم، برای خودش شعری است: «من مهاجرم / میهمان یک‌شبه نیستم / ماه و سال را ماندنی‌ام / چند سال / نمی‌دانم. / قصدم این نیست / که دنیای رنگینتان را برهم زخم / اگرچه تاسب رنگهایشان / به هم نمی‌خواند...» (از شعر «مهاجر»)

■ قهرمان، ساسان: *سبز*. کانادا، نشر افرا، ۱۳۷۴، ۱۱۵ ص، ۸ دلار کانادا.

مجموعه شعری است دربرگیرنده ۲۸ شعر منشور (بی‌وزن) فاقد تاریخ. در معرفی ساسان قهرمان می‌خوانیم که در سال ۱۳۴۰ در مشهد به دنیا آمده، دبیرستان را در ارومیه تمام کرده و در دانشکده هنرهای زیبای تهران در رشته هنرهای نمایشی تحصیل کرده (که با «انقلاب فرهنگی» ناتمام مانده). از سال ۱۳۶۲ ایران را ترک کرده و اکنون در کانادا از ایرانیان فعال در عرصه فرهنگی است: کارهای نمایشی، فعالیت‌های مطبوعاتی و انتشاراتی (نشریات *سایبان* و *سپیدار*)، که انتشارشان قطع شده است، و نشر افرا، و به تازگی چاپ رمانی به نام *گسل*. (بزرگترین نقطه ضعف او هم به‌عنوان شاعر همین است که رمان خیلی خوبی نوشته است که شعرهایش را کاملاً در سایه قرار می‌دهد!) تأثیر شاملو و بیرون طرز شاملویی بر کارش آشکار است. شعر «سبز»، که نامش را به مجموعه داده است: «زیباتر از آبی / وقتی که تشنه‌ام! / و زیباتر از خواب / وقتی که خواب تو را می‌بینم / □ / تمشک بر پستانت / پرند در چشمانت / شراب در لبانت / بیچک دستانت را بر تم بیچ / خاک با تو سبزی می‌شود / برگها را که فرو می‌ریزی!» آدرس نشر افرا: